

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol.8,
No. 15,
Spring & Summer 2023
P 37 - 63*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۸ ش ۱۵ بهار و تابستان ۱۴۰۲
صفحات ۳۷ - ۶۳

تحلیل انتقادی دیدگاه سید ابوالاعلی مودودی در تفسیر آیه اطعام

عامل حسن مظاهری*

چکیده

سید ابو الاعلی مودودی به عنوان یکی از اندیشمندان و متفکران معاصر، جایگاه ویژه و خاصی میان جامعه اسلامی به خصوص جامعه شبه قاره دارد تا جایی که تفسیر وی بنام تفهیم القرآن به چندین زبان زنده دنیا ترجمه شده و به عنوان منبع و کتاب درسی در مدارس مختلف کشورهای گوناگون مورد تدریس قرار می گیرد. وی اندیشه ها و نظرات تفسیری خود را در این تفسیر بجای گذاشته است. از دیگر سو همواره جایگاه و منزلت اهل بیت علیهم السلام مورد توجه قاطبه اندیشمندان و مفسران بوده و مباحث مختلفی را در این باب مطرح کرده اند. آیات اولیه سوره انسان از جمله آیاتی است که به تصریح شیعیان در شأن و فضیلت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نازل شده است اما مفسران اهل سنت در این باب اختلاف داشته و نظرات مختلفی را ارائه داده و گاهی به هجمه علیه دیدگاه شیعیان و نقد و رد نظر آنان پرداخته اند. نوشتار حاضر درصدد است با بهره گیری از روش توصیفی تحلیلی و مطالعه کتابخانه ای به تحلیل و بررسی دیدگاه سید ابوالاعلی مودودی در این باب بپردازد. یافته های پژوهش

*. دانش آموخته دکتری قرآن و علوم، گرایش علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث،

جامعه المصطفی العالمیه، muzaheri2007@gmail.com

حاکی از آن است که سید ابوالاعلی مودودی ضمن مکی دانستن سوره انسان و نازل نشدن آیات اولیه آن در حق و شأن اهل بیت علیهم السلام، با ارایه دلیل و اشکالاتی از قبیل مکی بودن سوره، معقول نبودن انفاق غذای چند نفر به یک نفر، عدم سازگاری گرسنه نگه داشتن دو کودک بیمار با جایگاه امام علی علیه السلام و نبودن اسیر در مدینه، شیعیان را به چالش می کشد. اما پس بررسی مشخص گردید دانشمندان متعددی از اهل سنت این آیات را مدنی دانسته و نزول آن را در شأن و فضیلت اهل بیت علیهم السلام دانسته اند و اشکالات مطروحه از سوی سید ابوالاعلی مودودی قابل رد و پاسخگویی است.

واژگان کلیدی: سوره انسان، اهل بیت، مودودی، آیه اطعام، تفسیر تفهیم القرآن

مقدمه:

از آیاتی که به اتفاق مفسران شیعه در شأن و فضیلت اهل بیت اطهار علیهم السلام نازل شده است، آیه اطعام یا همان آیات اولیه سوره انسان است. سوره انسان دارای ۳۱ آیه است و در عین کوتاهی محتوای عمیق و متنوع و جامعی دارد که می توان محتوای آن را به پنج بخش تقسیم کرد: در بخش اول از آفرینش انسان و خلقت او و هدایت و آزادی اراده او سخن گفته می شود. در بخش دوم سخن از پاداش ابرار و نیکان است که سبب نزول خاصی در مورد اهل بیت علیهم السلام دارد که به آن اشاره خواهد شد. در بخش سوم دلایل استحقاق این پاداش ها را در جمله هایی کوتاه و مؤثر بازگو می کند. در بخش چهارم به اهمیت قرآن و طریق اجرای احکام آن و راه پرفرازونشیب خودسازی اشاره می شود. و در بخش پنجم از حاکمیت مشیت الهی سخن به میان آمده است.

برای این سوره نام‌های متعددی است که مشهورترین آن‌ها سوره "انسان" و سوره "دهر" و سوره "هل اتی" است که هر کدام از آن‌ها از یکی از کلمات اوایل سوره گرفته شده است.

برای خواندن این سوره پاداش بهشت و لباس‌های بهشتی و در روز قیامت کنار پیامبر خدا بودن ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۰۸)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶) يُوفُونَ بِالْآثَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷) وَيُطْعَمُونَ الْأَطْعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (۸) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (۹) إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (۱۰) فَوَقَّعَهُمُ اللَّهُ شِرًّا ذَالِكِ الْيَوْمِ وَلَقَّتَهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (۱۱) وَجَزَّئَهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا (۱۲)؛ در حقیقت نیکوکاران از جامی (از شراب) می‌نوشند که آن با (عطر خوش) کافور آمیخته است، (۵) (همان) چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند، (۶) و (از هر کجا بخواهند) آن را کاملاً می‌شکافند (و روان می‌کنند). به نذر وفا می‌کنند و از روزی که بدی آن گسترده است می‌ترسند، (۷) و غذا را درحالی که دوستش دارند به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند. (۸) (درحالی که می‌گویند: ما) شما را فقط به خاطر ذات خدا غذا می‌دهیم، [و] هیچ پاداشی و سپاسگزاری از شما نمی‌خواهیم. (۹) در حقیقت ما از (عذاب) پروردگارمان می‌ترسیم، از روزی که بسیار ترشروی [و] سخت است. (۱۰) پس خدا آنان را از بدی آن روز نگاه می‌دارد و آنان را با شادابی و شادمانی می‌پذیرد. (۱۱) و به خاطر شکیبایی‌شان، بهشت و (لباس‌های) حریر به آنان پاداش می‌دهد. (۱۲)»

بین مفسران فریقین در باب شأن نزول آیات فوق و نیز مکی یا مدنی بودن آن اختلاف است که در ادامه به نقد و بررسی دیدگاه سید ابوالاعلی مودودی در باب آیه اطعام می‌پردازیم.

سوره انسان در تفهیم القرآن

ابوالاعلی مودودی در مقدمه و ابتدا تفسیر سوره انسان، این سوره را مکی دانسته و این قول را به اکثر مفسرین مانند زمخشری، رازی، بیضاوی و ... نسبت داده می‌گوید: مضامین و نوع بیان این سوره با سوره‌های مدنی بسیار اختلاف دارد (مودودی، بی تا: ۱۸۰/۶).

در ادامه وی منشأ مدنی دانستن برخی از آیات این سوره را روایت عطاء از ابن عباس دانسته (که در آن روایت، سبب نزول معروف این سوره یعنی بیماری حسنین^۸ و نذر حضرت امام علی و حضرت فاطمه زهرا^۸ جهت شفای آنان و روزه گرفتن آن حضرات علیهم‌السلام به مدت سه روز که در روز اول یک مسکین در خانه می‌آید، در روز یک یتیم و در روز سوم یک اسیر هنگام افطار به خانه حضرت امام علی^۷ مراجعه کرده و ایشان غذای افطار را به آنان می‌بخشد و در نتیجه حضرت امام علی و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام با آب افطار می‌کنند، نقل شده است) و این روایت را تضعیف می‌کند (همان).

وی بر این سبب نزول سه اشکال مطرح می‌کند:

۱. اشکالی اولی که مطرح می‌کند این است که به لحاظ عقل و منطق این حرف درست نیست که غذای پنج نفر از اهل خانه را به یک نفر بدهند،

می شد غذای یک نفر را داد و پنج نفری غذای چهار نفر را خورد و به آن اکتفا کرد (همان).

۲. اشکال دومی که مطرح می کند این است که چطور ممکن است بزرگانی چون حضرت علی و حضرت زهرا ⁸ گشنه نگه داشتن دو بچه ای را که تازه از بیماری خوب شدند، کار نیک و خوبی بدانند، باور این مشکل است (همان).

۳. اشکال سوم وی این است که در حکومت اسلامی این گونه نبوده است که شخص اسیر برای درخواست چیزی آزاد گذاشته شود بلکه یا خود حکومت مسئول رسیدگی به امورات و خورد و خوراک او بوده است یا شخصی که این اسیر به وی سپرده شده بود. پس در مدینه ممکن نبوده که اسیری جهت درخواست چیزی مراجعه کند (همان).

سید ابوالاعلی مودودی در ادامه نیز می نویسد: «در صورتی که از این اشکالات چشم پوشی کنیم و بگوییم این داستان صحیح است در این صورت نهایت چیزی که معلوم و ثابت می شود این است که هنگامی که آل محمد ⁶ این کار نیک را انجام دادند، جبریل آمد و به پیامبر اکرم بشارت داد که این کار اهل بیت شما بسیار مقبول افتاد چرا که آنان همان کار نیکی را انجام دادند که خداوند متعال در سوره دهر در این آیات آن را بیان کرده بود. اما لازمه این حرف این نیست که این آیات در همان هنگام نازل شده باشد.» (همان: ۱۸۲)

ابوالاعلی مودودی در این باب با اشاره به قول سیوطی و زرکشی، بر این عقیده است که هر وقت در روایتی گفته شود این آیات درباره فلان مسئله نازل شده است لزوماً به این معنا نیست که همان موقع نازل شده است بلکه می تواند به این معنا هم

باشد که مورد نزول این آیات همین مسئله بوده است و هم می‌تواند به این معنا باشد که حکم این آیات بر این مسئله نیز تطابق دارد (همان).

بررسی سبب نزول و مدنی یا مکی بودن آن

قرآن پژوهان برای شناخت مکی بودن یا مدنی بودن یک سوره معیارهای را در کتب خود ذکر کرده‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۳۹۴: ۱/ ۶۸؛ زرکشی، ۱۳۷۶: ۱/ ۱۸۷) که بر اساس آن مکی یا مدنی بودن یک سوره را مطرح می‌کنند. اما باین وجود، مکی یا مدنی بودن برخی از سوره‌ها یا آیات مورد اختلاف علماء قرار می‌گیرد البته نباید در این ضمن انگیزه‌های فرقه‌ای، اعتقادی و سیاسی را از نظر دور داشت.

سوره انسان از جمله آن سوره‌های است که در مکی بودن و یا مدنی بودن آن میان دانش پژوهان قرآنی فریقین اختلاف نظر وجود دارد.

اتفاق امامیه و نظر بسیاری از مفسرین اهل سنت بر این است (دستکی شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۷؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۶/ ۴۱۲) که حداقل آیات اولیه سوره انسان و آیه اطعام، در شأن حضرت علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام نازل شده است و از آنجاکه ولادت این دو امام بعد از هجرت بوده است در نتیجه باید گفت این سوره مدنی است.

در ادامه به برخی از روایات و اقوال علماء که سبب نزول فوق را بیان کرده و در منابع اهل سنت آمده است اشاره می‌کنیم.

۱. ابوالقاسم عبیدالله حسکانی مؤلف تفسیر شواهد التنزیل که وجه تسمیه کتاب خود و انگیزه نگارش آن را، انکار نزول سوره دهر در شأن امام علی ۷ ذکر می‌کند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۰/۱)، از جمله مفسرین و علماء

اهل سنتی است که معتقد به مدنی بودن سوره انسان بوده و آن را در شأن اهل بیت اطهار علیهم السلام می‌داند.

وی روایات مختلفی از طرق گوناگونی را دال بر نزول آیات ۶ تا ۲۲ سوره انسان در شأن اهل بیت علیهم السلام، ذکر می‌کند (همان: ۳۹۳/۲-۴۰۸). وی ادعای اجماع مفسرین بر مکی بودن سوره را رد کرده و می‌نویسد: «چطور اجماع بر مکی بودن ممکن است و حال آنکه قول اکثر این است که این سوره مدنی است» (همان: ۴۰۹).

در ادامه نیز حسکانی روایات مربوط به ترتیب نزول سوره‌ها و مکی و مدنی بودن آن‌ها را ذکر کرده که در آن به صراحت سوره انسان جزو سوره‌های مدنی به حساب آمده است (همان: ۴۰۹-۴۱۵).

به‌عنوان نمونه به یک روایت در باب سبب نزول و یک روایت در باب ترتیب نزول سور را که حاکم حسکانی در کتاب خود نقل کرده است، اشاره می‌کنیم:

عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: يُوفُونَ بِالنَّذْرِ قَالَ: مَرِضَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فَعَادَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ وَ عَادَهُمَا عَمُومَةُ الْعَرَبِ فَقَالُوا: يَا أَبَا الْحَسَنِ لَوْ نَذَرْتَ عَلَيَّ وَلَدَيْكَ نَذْرًا. فَقَالَ عَلِيٌّ: إِنَّ بَرَاءَ صُمْتُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا. فَقَالَتْ فَاطِمَةُ كَذَلِكَ. وَقَالَتْ جَارِيَةٌ لَهُمْ نَوْبِيَّةٌ يُقَالُ: لَهَا فِضَّةٌ كَذَلِكَ فَالْبَسَ اللَّهُ الْغُلَامِينَ الْعَافِيَةَ وَ لَيْسَ عِنْدَ آلِ مُحَمَّدٍ قَلِيلٌ وَ لَأَ كَثِيرٌ، فَانْطَلَقَ عَلِيٌّ إِلَى شَمْعُونَ الْخَيْبَرِيِّ وَ كَانَ يَهُودِيًّا فَاسْتَقْرَضَ مِنْهُ ثَلَاثَةَ أَصْوَعٍ مِنْ شَعِيرٍ فَجَاءَ بِهِ، فَقَامَتْ فَاطِمَةُ إِلَى صَاعٍ فَطَحَنَتْهُ وَ اخْتَبَزَتْهُ وَ صَلَّى عَلَيَّ مَعَ النَّبِيِّ ص ثُمَّ أَتَى الْمَنْزِلَ فَوَضَعَ الطَّعَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ إِذْ أَتَاهُمْ مِسْكِينٌ فَأَعْطَوْهُ الطَّعَامَ، فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ الثَّانِي قَامَتْ إِلَيَّ صَاعٍ فَطَحَنَتْهُ وَ اخْتَبَزَتْهُ وَ صَلَّى عَلَيَّ مَعَ النَّبِيِّ ص ثُمَّ أَتَى الْمَنْزِلَ فَوَضَعَ الطَّعَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ إِذْ أَتَاهُمْ يَتِيمٌ وَ سَأَلَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ [وَ أَنَا اخْتَصَرْتَهُ (همان: ۳۹۹-۳۹۸)].

(ابن مجاهد از ابن عباس در باب قول خداوند که فرمود: يُوقُونَ بِالنَّذْرِ نَقْل می‌کند: حسن و حسین مریض شدند، پیامبر خدا و عده‌ای از مردم از آنان عیادت کردند و گفتند: یا ابا الحسن! اگر برای فرزندان نذر کنی {بهبود خواهند یافت}. پس حضرت علی فرمود اگر آن دو خوب شوند به شکرانه آن سه روز روزه می‌گیرم و حضرت فاطمه هم همین‌طور گفت و کنیز آنان که به آن فضا گرفته می‌شد، همین را گفت. پس خداوند آن دو را لباس عافیت پوشد و حال آنکه نزد آل محمد چیزی نبود. پس حضرت علی پیش شمعون خیبری که یهودی بود، رفت و سه صاع جو قرض کرد و حضرت فاطمه یک صاع آن را آرد کرد و نان پخت. حضرت علی نماز را با پیامبر خواند و سپس به منزل آمد و طعام جلوی ایشان گذاشته شد که در این هنگام، مسکینی به آنان مراجعه کرد و آنان نیز طعام را به آن دادند پس در روز سوم حضرت فاطمه صاع دیگری را خمیر کرده و نان پخت و حضرت علی هم با پیامبر نماز خواند و آمد منزل و طعام جلوی ایشان گذاشته شد که در این هنگام یتیمی بر آنان وارد شد... و ادامه حدیث که من آن را مختصر کردم).

حاکم حسکانی روایت فوق را به بیش از ۱۰ طریق نقل کرده است.

همچنین در روایت دیگری نقل شده است: عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ أَوَّلُ شَيْءٍ نَزَلَ بِمَكَّةَ أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ، ثُمَّ ن وَالْقَلَمِ، ثُمَّ وَالضُّحَىٰ ثُمَّ يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ، ثُمَّ يَا أَيُّهَا الْمَدَنِيُّ، ثُمَّ تَبْتُ، ثُمَّ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ. وَ ذَكَرَ إِلَيَّ قَوْلُهُ: وَ هِيَ ثَلَاثٌ وَ ثَمَانُونَ سُورَةً مِمَّا نَزَلَ بِمَكَّةَ. وَ أَوَّلُ شَيْءٍ نَزَلَ بِالْمَدِينَةِ وَ يَلُ لِلْمَطْفُفِينَ، ثُمَّ الْبَقْرَةَ، ثُمَّ الْأَنْفَالَ، ثُمَّ آلِ عِمْرَانَ ثُمَّ الْأَحْزَابِ ثُمَّ الْمُتَحَنِّةِ ثُمَّ النَّسَاءِ ثُمَّ إِذَا زُلْزِلَتْ ثُمَّ الْحَدِيدِ ثُمَّ سُورَةُ مُحَمَّدٍ ص ثُمَّ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ ثُمَّ الطَّلَاقِ (همان: ۴۱۱-۴۱۲).

در این حدیث به صراحت سوره انسان جزو سوره‌های مدنی شمرده می‌شود.

در روایت دیگری نیز حاکم حسکانی نقل می‌کند: أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ
بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيُّ قِرَاءَةَ عَلَيْهِ بِبَغْدَادَ مِنْ أَصْلِهِ، حَدَّثَنَا أَبُو عُبَيْدٍ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ بْنِ
مُوسَى بْنِ عُبَيْدٍ الْمَرْزُبَانِيُّ قِرَاءَةَ عَلَيْهِ فِي شَعْبَانَ سَنَةِ [ثَلَاثِمِائَةٍ وَ] إِحْدَى وَثَمَانِينَ حَدَّثَنَا أَبُو
الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُبَيْدٍ اللَّهِ الْحَافِظُ قِرَاءَةَ عَلَيْهِ فِي قَطِيعَةِ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ
بْنُ الْحَكَمِ الْحَبْرِيُّ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنٍ حَدَّثَنَا حَبَّانُ بْنُ عَلِيٍّ، عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ
عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا
نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا، إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا
الآيَاتِ [قَالَ:] نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أُطْعِمَ عَشَاءَهُ وَأَفْطَرَ عَلَى الْقِرَاحِ. (همان: ۴۰۶).

سند حدیث:

با توجه به صراحت حدیث فوق، به اتقان سند آن از منظر اهل سنت اشاره می‌کنیم:

ابو محمد جوهری:

خطیب بغدادی وی را مورد اطمینان، در زمره امانت‌داران و کسی که زیاد حدیث
شنیده بود معرفی می‌کند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۹۳/۷). ابن جوزی نیز وی را فردی
ثقه و امین می‌داند (ابن الجوزی، ۱۴۱۲: ۲۷۱/۱۲).

مرزبانی:

خطیب بغدادی می‌گوید: وی را دروغ‌گو نمی‌دانیم. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷:
۱۳۵/۳) عتیقی نیز وی را معتزلی و مورد اعتماد می‌داند (ذهبی، ۱۴۱۷: ۳۰/۱۶).
ابوالحسن علی بن محمد:

خطیب بغدادی وی را فردی مورد اعتماد، امانت‌دار، حافظ و عارف معرفی می‌کند و با نقل از محمد بن جعفر، وفات وی را سال ۳۳۰ هـ ق در ماه شوال می‌داند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۲/۷۳-۷۴)

حبری:

حاکم نیشابوری و ذهبی وی را مورد اعتماد می‌دانستند و در اسنادی که طبق شرایط بخاری و مسلم صحیح شمرده می‌شوند، اسم وی نیز به چشم می‌خورد (نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱/۶۸۷).

حسن بن حسین:

وی از رجال کتاب مستدرک علی‌الصحیحین نیشابوری بوده به گونه‌ای که حاکم نیشابوری روایات او را مورد تأیید قرار داده است (همان: ۳/۲۱۱).

حبان بن علی:

ابن خراش به نقل از یحیی بن معین وی را بسیار راستگو می‌داند و خطیب بغدادی نیز وی را فردی صالح و متدین معرفی می‌کند و ذهبی پس از نقل اقوال علمایی که حبان بن علی را تضعیف کرده‌اند می‌گوید: اما من می‌گویم احادیث او متروک نگشت (المزی، ۱۴۰۰: ۵/۳۴۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۸/۲۴۹؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۲/۱۸۷).

سائب کلبی:

او از رجال ابو داوود، ترمذی و ابن ماجه است و ابن حجر به نقل از ابن عدی می‌گوید: مردم مورد اعتماد احادیث وی را نقل کرده‌اند و نظرات او را در زمینه تفسیر پذیرفته‌اند.

از مجموع سخنان اهل سنت چنین برمی آید که اعتراضات و انتقادات علیه وی مختص به احادیثی است که در زمینه غیر تفسیر نقل می کند اما احادیث تفسیری او را مورد پذیرش قرار داده و بزرگانی چون سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، عبدالله بن مبارک، ابن جریر، شعبه، محمد بن اسحاق و دیگران از وی نقل حدیث کرده اند (المزی، ۱۴۰۰: ۲۵/۲۴۶ و ۲۵۲؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۵۹/۹).

ابو صالح:

یحیی بن قطان درباره وی می گوید: در میان علمای هم کیش خود هیچ کسی را ندیدم که روایات ابو صالح غلام امّ هانی را ترک کند. (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۹۶/۱)

۲. زمخشری نیز این سوره را جزو سوره های مدنی می داند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۶۵) و عجیب است که مولانا مودودی به زمخشری نسبت مکی بودن این سوره را می دهد (مودودی، بی تا: ۱۸۲/۶).

۳. ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۳۷۴)، آلو سی به نقل از ابی عابد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵/۱۶۶) و قرطبی (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰/۱۱۸) در تفسیر خود قول مدنی بودن سوره انسان را به جمهور نسبت می دهند و قرطبی نزول این سوره تا آیه ۲۲ را درباره امام علی، حضرت زهرا و حسنین علیهم السلام و کنیز آنان حضرت فضه، قول اهل تفسیر می داند اما خود قائل به این سبب نزول نیست (همان: ۱۳۱).

۴. العاصمی در کتاب خود از سه طریق و سند، روایت دال بر مدنی بودن سوره انسان را نقل کرده (عاصمی، ۱۴۱۸: ۳۶-۴۱) و مدنی بودن این سوره را قول بزرگان و اجلاء تفسیر و تأویل می داند (همان: ۳۶) و خود نیز این سوره را مدنی و سبب نزول آن را همان سبب نزول معروف

- می‌داند و اشکالات وارده بر آن را جواب داده و احادیث مربوط به سبب نزول را ذکر می‌کند (ر.ک، همان: ۳۰-۶۱).
۵. حبری نیز در تفسیر خود شأن نزول سوره دهر را حضرت علی ^۷ نقل می‌کند. (حبری کوفی، ۱۴۰۸: ۳۲۶)
۶. جلال‌الدین سیوطی در تفسیر خود از ابن عباس به طریق ابن مردویه و طریق ابن ضریس مدنی بودن این سوره را نقل می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۷/۶).
۷. از دیگر کسانی که این شأن نزول را نقل کرده‌اند می‌توان به این افراد اشاره کرد: ابن عبد ربه اندلسی (ابن عبد ربه اندلسی، ۱۴۰۷: ۳۵۴/۵)، ابو عبدالله حاکم نیشابوری (نیشابوری، بی تا: ۱۷۶) محمد بن یوسف گنجی شافعی (گنجی شافعی، ۱۴۰۴: ۳۴۸)، ابواسحاق ثعلبی (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۹۹/۱۰)، ابن مغزلی شافعی (شافعی، ۱۴۲۴: ۲۳۸)، علی بن احمد واحدی (ر.ک: اسباب نزول القرآن ذیل آیات شریفه)، حسین بن مسعود بغوی (ر.ک: معالم التنزیل فی تفسیر القرآن ذیل آیات شریفه)، موفق بن احمد خوارزمی (خوارزمی، ۱۴۱۱: ۲۶۶-۲۷۴)، فخر رازی (رازی، ۱۴۲۰: ۷۴۶/۳۰-۷۴۷)، شیخ محمد بن طلحه شافعی (شافعی، ۱۴۱۹: ۱۲۷)، سبط بن جوزی (سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۸۳-۲۸۱) نظام‌الدین اعرج نیشابوری (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۴۱۲/۶)، بیضاوی (ر.ک: أنوار التنزیل و أسرار التأویل ذیل آیات شریفه)، محب الدین طبری (طبری، بی تا: ۱/۱۰۳)، ابواسحاق حموینی جوینی

(حموینی جوینی، بی تا: ۵۴/۲)، ابن حجر عسقلانی (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲۸۱/۸) و

البته نقل حدیث به معنای پذیرفتن آن نیست و برخی، این حدیث را رد می‌کنند. نکته دیگری که باید به آن اشاره شود این است که باوجود اختلاف این روایات در متن و اینکه بعضی از آن اطعام را در یک روز می‌دانند بعضی دیگر در سه روز، اما اصل نزول این آیات در شأن حضرت علی^۷ و خاندان طاهرینش، اتفاق دارند.

نقد و بررسی دیدگاه سید ابوالاعلی مودودی

مولانا مودودی در ابتدای مقدمه سوره دهر، بر مدنی بودن سوره و نزول آن در شأن اهل بیت علیهم السلام اشکالاتی را مطرح می‌کند که در ادامه به اشکالات و نیز جوابات آن می‌پردازیم:

اشکال اول:

اشکال اول بر مدنی بودن سوره این بود که معارف و نوع بیان این سوره با سوره‌های مدنی همخوانی ندارد بلکه مانند سوره‌های مکی است (مودودی، بی تا: ۱۷۰/۶). البته قبل از مودودی مفسران دیگری نیز این اشکال را مطرح نمودند از جمله سید قطب در تفسیر خود این اشکال را مطرح کرده و قرآینی مانند ذکر نعمت‌های بهشتی به صورت مفصل، بیان عذاب‌های دردناک، امر به صبر پیامبر^۶ و عدم اطاعت از کفار و ... را دال بر مکی بودن سوره انسان می‌داند (شاذلی، ۱۴۱۲: ۳۹۱/۶).

جواب:

در جواب این اشکال باید گفت که قرآینی که برای شناخت مکی یا مدنی بودن یک سوره در کتب علوم قرآنی بیان شده است صددرصدی نبوده بلکه ممکن است

بعضی از آن در دیگری نیز باشد و به همین دلیل است که در مکی یا مدنی بودن یک سوره اختلاف نظر پیش می‌آید از طرفی قرآینی که ذکر شد، اختصاص به سوره‌های مکی ندارد بلکه در سوره‌های مدنی نیز وجود دارد مانند سوره حج که خود سید قطب در تفسیرش آن را مدنی می‌داند الاً برخی از آیات که آن‌ها را بین مدنی و مکی دانسته است (همان: ۵/۵۷۳) و نگارنده تفهیم القرآن نیز بخش اول سوره حج را مکی و بخش دوم را مدنی می‌داند (مودودی، بی تا: ۱۹۶/۳) و حال آنکه در این سوره نیز نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های آخرت بیشتر از سوره انسان، بیان شده است.

علاوه بر اینکه بالفرض هم گفته شود سوره انسان مکی است منافاتی با مدنی بودن برخی از آیات ندارد و می‌تواند اول سوره مدنی و ادامه آن مکی باشد که بعضی از علماء شیعه نیز به این نکته اشاره کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۱۳۵-۱۳۶) همان‌گونه که سید قطب در باب سوره حج، کل سوره را مدنی دانسته اما برخی از آیات آن را مکی می‌داند، در روایاتی هم که دال بر ترتیب و زمان نزول سوره‌ها می‌باشد به این نکته اشاره شده است که چه بسا ابتدای سوره‌ای مکی باشد اما آیات مدنی نیز در آن جای داده شده باشد (ر.ک: حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۴۰۶؛ عاصمی، ۱۴۱۸: ۳۶-۴۱).

نکته مهمی که در سوره انسان و در هنگام ذکر نعمت‌های بهشتی وجود دارد این است که در این سوره در پاداش ابرار حرفی از حورالعین و زنان بهشتی زده نشده است. شاید بتوان از این نکته این مطلب را استظهار کنیم که در بین ابراری که سبب نزول این سوره می‌باشند کسی از زنان حضور داشته است و خداوند به دلیل جایگاه ایشان حرفی از حورالعین مطرح نکرده است که طبق عقیده ما شیعیان و سبب نزولی که مطرح شد حضرت زهرا سلام الله علیها بین این ابرار وجود دارد.

علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳۱/۲۰) و آلوسی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۷۴/۱۵) نیز در تفاسیر خود به این نکته و ظرافتی که در سوره مبارکه انسان وجود دارد اشاره کرده‌اند.

اشکال دوم:

اشکال دومی که مودودی مطرح می‌کند این است که مبنای مدنی دانستن بعضی از آیات این سوره روایت عطاء از ابن عباس است که این روایت به شدت ضعیف می‌باشد و در نتیجه نمی‌توان با آن مدنی بودن سوره را ثابت کرد (مودودی، بی تا: ۱۸۱/۶-۱۸۰).

جواب:

جواب این اشکال در بحث مکی یا مدنی بودن سوره روشن و واضح شد چرا که فقط این روایت نیست که دلالت بر مدنی بودن و سبب نزول مشهور آن دارد بلکه همان‌گونه که تبیین شد از طرق و اسانید مختلفی این روایت نقل شده است.

اشکال سوم:

اشکال سومی که مودودی مطرح کرده است مربوط می‌شود به سبب نزول و آن اینکه به لحاظ منطق و عقل عجیب است که غذای پنج نفر به یک نفر داده شود بلکه می‌شد غذای یک نفر را داد و مابقی چهار غذا برای پنج نفر کفایت می‌کرد. پس این سبب نزول درست نخواهد بود (همان: ۱۸۱).

جواب:

در پاسخ به این سؤال باید گفت که اولاً انفاق و کمک به یک نیازمند از اموری است که ثواب بسیار زیادی برای آن ذکر شده است و مسلماً هر یک از اهل بیت

علیهم السلام که طالب رسیدن به ثواب می باشند در این امر پیش قدم می باشند و در نتیجه هر یک از اهل بیت علیهم السلام ایثار و از خود گذشتی کرده و طعام خود را به نیازمندان دادند. در قرآن کریم حتی تشویق به اطعام فقیر نیز مورد تأکید واقع شده است و عدم تشویق به اطعام مسکین از ویژگی های و گناهان اصحاب شمال شمرده است خداوند متعال می فرماید: **وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (الحاقه/۳۴)**. (و مردم را) به غذا دادن بینوایان تشویق نمی کرد).

در سوره ماعون تشویق نکردن به اطعام مساکین از ویژگی های تکذیب کنندگان قیامت و روز جزا (ماعون/۳) و هم چنین در آیات دیگری موجب دوری از خدا و گرفتاری در بلاها و امتحانات، بیان شده است (الفجر/۱۸). در روز قیامت وقتی از دوزخیان سؤال می شود که چرا شما دوزخی و جهنمی شدید، یکی از دلایل آن را عدم اطعام فقراء ذکر کرده می گویند: **وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ (المدثر/۴۴)** (و هرگز به بینوایان غذا نمی دادیم).

در روایتی از امام علی ⁷ نقل شده است که ایشان می فرمایند: ما اهل بیت مأمور شدیم به اطعام طعام (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۲/۴) هم چنین در روایتی از امام موسی کاظم ⁷ نقل شده است: **كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ مِنْ مُوجِبَاتِ مَغْفِرَةِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِطْعَامُ الطَّعَامِ (همان)**.

باوجود این همه تاکید بر بحث اطعام آیا بازهم جای تعجب است که اهل بیت علیهم السلام هر کدام غذای خود را به فقیر، یتیم و اسیر بدهند و در اجر و ثواب آن شرکت نمایند؟!

دوما: به طور قطع فقیر، یتیم و اسیری که جهت غذا مراجعه کرده بودند فقط به همین یک وعده غذایی محتاج نبوده بلکه برای وعده‌های غذایی بعدی نیز به کمک نیاز داشتند و اهل بیت علیهم السلام جهت تأمین نیاز آنان آنچه را که در اختیار داشتند به آنان انفاق و ایثار نمودند. اگر کسی از این دریچه به قضیه نگاه کند نه فقط این امر را مخالف درایت و عقل نمی‌داند که بلکه موافق عقل و درایت خواهد دانست.

اشکال چهارم:

اشکال چهارمی که مودودی مطرح می‌کند این است که از حضرت علی و حضرت زهرا⁸، چگونه ممکن است دو بچه تازه خوب شده را گرسنه گذاشته و غذای آنان را به دیگران انفاق کنند (مودودی، بی تا: ۱۸۱/۶).

جواب:

در جواب به این اشکال باید گفت اولاً: ایثار و از خودگذشتگی از سجایای اخلاقی است که در قرآن کریم و روایات اسلامی مورد تعریف و تمذیح قرار گرفته و به آن سفارش شده است خداوند متعال در توصیف انصار یکی از صفات آنان را ایثار بیان کرده وی می‌فرماید: (وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ) (الحشر/۹) و (مهاجران) را بر خودشان بر می‌گزینند (و ترجیح می‌دهند) و گرچه آنان نیازمند باشند). البته در روایات ذکر شده است که این آیه شریفه نیز در شأن حضرت امام علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما نازل شده است (ر.ک بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۴۲/۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۷: ۱۳/۱۷۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۳۲/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹/۳۶).

در روایات اسلامی نیز ایثار و از خودگذشتگی از صفات ابرار به حساب آمده و امام علی⁷ می‌فرماید: الْإِيْثَارُ سَجِيَّةُ الْاَبْرَارِ وَ شِيْمَةُ الْاَخْيَارِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۹۶)

و به طور حتم اهل بیت علیهم السلام که سروران ابرار می باشند، این ویژگی را و ایثار و از خودگذشتگی را در بالاترین درجه آن دارا هستند تا جایی که حضرت علی ⁷ جان خود را نثار پیامبر ⁶ می کند و این آیه نازل می شود: *وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ* (بقره/۲۰۷).

پس این که حضرت امام حسن و امام حسین ⁸ طعام خود را ایثار کنند جای هیچ تعجب و تحیری ندارد.

دوما: این کار در صورتی درست نبود که خود حضرت امام حسن و امام حسین ⁸ به این رضایت نداشته باشند اما همان گونه که گفته شد هر یک از اهل بیت با رضایت کامل و از روی اختیار این ایثار را انجام دادند تا به ثواب آن برسند به دلیل همین ایثار و از خودگذشتگی بود که خداوند متعال سوره دهر را نازل کرد و الا اگر صرف انفاق ساده ای اتفاق می افتاد و ایثار و از خودگذشتگی و ویژگی خاصی در میان نبود که این سوره در شأن ایشان نازل نمی شد چرا که مسلماً قبل از این هم به فقراء و نیازمندان کمک می شده است و این طوری نبود که اهل بیت برای بار اول این کار را انجام دهند اما سوره ای در شأن کسی نازل نشد.

پس در نتیجه می توان گفت این انفاق یک ویژگی خاص داشت و آن هم از خودگذشتگی و ایثار و انفاق در زمانی است که خود نیازمند آن بودند و دو بچه ای که تازه از بیماری خوب شده بودند نیاز به این غذا و طعام داشتند اما آن را در راه خدا و برای رضای خدا به نیازمند می دهند. این امر نه فقط اشکال بلکه فضیلتی است برای اهل بیت علیهم السلام.

اشکال پنجم:

اشکال پنجمی که ابوالاعلی مودودی مطرح می‌کند این است در آن زمان بعید است که اسیری به خانه دیگران مراجعه و از آنان درخواست غذا نمایند چرا که یا حکومت متکفل امورات اسیران بود یا افرادی که اسیران به آنان واگذار می‌شدند (مودودی، بی تا: ۱۸۱/۶).

جواب:

اولاً باید گفت خود وجود اسیر دال بر این است که این سوره مدنی است چرا که در مکه مسلمانان قدرتی نداشتند تا اسیری به خانه آنان مراجعه کرده و آنان اطعام کنند. ثانیاً اصلاً بعید نیست که یک اسیری به خانه شخصی مراجعه کند و از آنان تقاضای طعام نمایند. طبق نقل کتب تاریخی، در زمان پیامبر ^۶ زندانی وجود نداشت و حضرت ^۶ اسیران را تقسیم کرده و به دست مسلمانان می‌سپرد و می‌فرمود مراقب آنها باشید و به آنها نیکی کنید و مسلمانان که گاهی توانایی بر تأمین غذای آنان نداشتند، از دیگر مسلمانان برای اطعام اسیران کمک می‌گرفتند و آنها را همراه خود و یا حتی بدون همراهی خود به سراغ سایر مسلمانان می‌فرستادند تا به آنها کمک کنند. زیرا در آن موقع مسلمین سخت در مضیقه بودند. البته بعداً که حکومت اسلامی گسترش پیدا کرد و تعداد اسیران بالا گرفت و حتی مجرمان با گسترش دامنه حکومت زیاد شدند، زندان به وجود آمد و ارتزاق اسیران و مجرمان از طریق بیت‌المال صورت می‌گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۴/۲۵).

پس هیچ جای تعجب نیست که اسیری در مدینه به خانه‌ای امیرالمؤمنین حضرت علی ^۷ مراجعه کرده و درخواست طعام و غذا کرده باشد.

اشکال ششم:

مودودی در آخرین نکته و اشکالی که مطرح می‌کند، عقیده دارد بالفرض هم اگر قبول کنیم این داستان واقعیت دارد لازمه آن قبول نزول سوره انسان در شأن اهل بیت نیست بلکه اهل بیت علیهم السلام یک کار نیکی را انجام دادند و حضرت جبرئیل هم به پیامبر ⁶ بشارت قبول آن را می‌دهد که اهل بیت همان کاری را انجام دادند که خداوند متعال در سوره دهر فرموده بود نه اینکه بعد از انجام انفاق توسط اهل بیت این سوره نازل شده باشد مودودی، بی تا: ۱۸۲/۶).

جواب:

با توجه به روایات و شهرت مدنی بودن سوره یا برخی از آیات آن، دیگر نیازی به چنین تأویلات و توجیهاتی نیست و این نشان از فرار از حقیقت دارد. علاوه بر اینکه سیاق آیه اطعام نشان از وقوع آن جریان دارد نه اینکه قرآن بخواهد یک داستان فرضی را بیان کند که از باب اتفاق این جریان در مسئله انفاق اهل بیت علیهم السلام مصداق پیدا کند بلکه قرآن کریم، خبر از وقوع آن جریان در خارج می‌دهد. اگر قرار بود این آیات به صورت فرضی این داستان را مطرح کنند بدون شک مسلمانان زیادی در پی تحقق آن بر می‌آمدند و نذری انجام داده به آن وفا کرده و به فقیر، یتیم و اسیر طعام می‌دادند تا خود را از مصادیق این آیه شریفه قرار داده جزو ابرار شوند اما در تاریخ چنین چیزی ثبت نشده است.

پس می‌توانیم بگوییم قراین و سیاق آیات بر وقوع خارجی داستان دلالت دارد. از اینروست که علامه طباطبایی در این باب می‌نویسد: «و الذی یجب أن یتنبه له أن سیاق هذه الآيات سیاق الاقتصاص تذكّر قوما من المؤمنین تسمیهم الأبرار و تکشف عن

بعض أعمالهم و هو الإيفاء بالنذر و إطعام مسكين و يتيم و أسير و تمدحهم و تعدهم الوعد الجميل. فما تشير إليه من القصة سبب النزول، و ليس سياقها سياق فرض موضوع و ذكر آثارها الجميلة، ثم الوعد الجميل عليها.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۷/۲۰).

(آنچه تنبه بدان لازم است این است که سیاق این آیات سیاق داستان سرایی است، داستان مردمی از مؤمنین که قرآن نامشان را ابرار خوانده و از پاره‌ای کارهایشان یعنی وفای به نذر و اطعام مسکین و یتیم و اسیرشان خبر داده، ایشان را می‌ستاید و وعده جمیلتان می‌دهد. معلوم می‌شود سبب نزول این آیات هم همین داستان بوده و این داستان در خارج واقع شده نه اینکه بنخواهد یک قصه فرضی را جعل کند، آن‌گاه آثار خوب آن را بر شمرده و کسانی را که آن چنان عمل کنند وعده جمیل بدهد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۰۳))

لذا سیاق آیات شریفه سیاق داستان نمادین و فرضی نیست بلکه نشان از یک واقعیت خارجی دارد که اتفاق افتاده است.

نتیجه:

بر اساس مطالب قبلی مودودی اشکالاتی را بر مدنی بودن سوره انسان و نزول آن در شأن اهل بیت علیهم السلام مطرح کرد از جمله: نوع بیان و معارف موجود در آن که متناسب سوره‌های مکی است نه مدنی، ضعیف بودن روایت عطاء از ابن عباس که مدنی بودن سوره را ثابت می‌کند، خلاف منطق و درایت بودن اعطاء غذای پنج نفر به یک نفر، بعید بودن گشنه نگه داشتن دو بچه‌ای که تازه از بیماری خوب شده‌اند، متکفل بودن دولت یا افراد مشخص شده که امور اسرا را رسیدگی می‌کردند پس نیازی به مراجعه اسیر به در خانه اهل بیت علیهم السلام نبود و آخرین اشکال هم اینکه نهایت امر

می‌توان گفت اهل بیت علیهم‌السلام سبب نزول این آیات نبودند بلکه مصداقی برای این سوره بودند که با کنکاش صورت گردید مشخص گردید روایات متعددی دلالت بر این دارند که حداقل آیات مورد بحث مدنی است نه مکی و نیز به دست آمد که انفاق غذای چند نفر به یک نفر عین درایت و عقلانیت است نه خلاف آن و لذا انفاق غذای دو کودکی که تازه حالشان خوب شده است بعید نیست بلکه با توجه به اهمیت این امر و نیز با توجه به رضایت کودکان بسیار هم ممکن است اتفاق بیافتد. همچنین مشخص شد در زمان پیامبر زندانی به صورت کنونی نبوده بلکه زندانی‌ها جهت نگهداری و رسیدگی به امور به مسلمانان واگذار می‌شدند نیز این نکته به اثبات رسید که سیاق آیه دلالت بر این دارد که در مقام بیان حادثه واقع شده و خارجی است نه این که صرفاً بخواهد یک مفهومی را بیان کند و بعد از نزول اهل بیت اطهار با عمل کردن بر مفاد آیه مصداق آن قرار گرفته باشند. در نتیجه نزول این آیات در شأن و به سبب اهل بیت اطهار علیهم‌السلام به اثبات رسید.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی بن محمد، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق ۱۹۹۲م
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدي، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق
۳. ابن عبد ربہ اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفريد، تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق
۴. ابن مغالزی شافعی، علی بن محمد، مناقب الامام علی بن ابی طالب، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۲۴ق
۵. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق
۶. بحرانی سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة موسسه البعثة، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق
۷. بغوی حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق عبدالرزاق المهدي، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق
۸. بیضاوی عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق
۹. تمیمی آمدی، عبدالواعد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶شمسی

۱۰. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۲ق
۱۱. حبری کوفی، حسین بن حکم، تفسير الحبری، تحقیق سید محمد رضا حسینی، بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاهیاء التراث، ۱۴۰۸ق
۱۲. حسکانی، عید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق
۱۳. حموی جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، بیروت، مؤسسه المحمودی للطباعة و النشر، بی تا
۱۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق
۱۵. خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ق
۱۶. دشتکی شیرازی، غیاث الدین منصور، تحفه الفتی فی تفسیر سورة هل أتى، تحقیق پروین بهار زاده، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۱شمسی
۱۷. ذهبی، شمس الدین حمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۸۲ق
۱۸. ذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله ۱۴۱۷ ق ۱۹۹۶ م
۱۹. رازی، محمد بن عمر فخرالدین، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق

۲۰. زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۰هـ
۲۱. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق
۲۲. سبط بن الجوزی، شمس الدین یوسف بن حسام الدین قزاوغدی، تذکره الخواص، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ق
۲۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، هیئة المصریة العامه للکتاب، ۱۳۹۴هـ / ۱۹۷۴ م
۲۴. سیوطی، جلال الدین، الدرر المنثور فی تفسیر الماثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴شمسی
۲۵. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، فی الظلال القرآن، بیروت- قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ق
۲۶. شافعی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، بیروت، مؤسسه بلاغ، ۱۴۱۹ق
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش
۲۹. طبری، محب الدین احمد بن عبدالله، الرياض النضرة، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ دوم، بی تا

۳۰. عاصمی، احمد بن محمد، العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل أتى، تحقیق محمد باقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۸ق ۱۳۷۶شمسی
۳۱. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، الإصابه، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق ۱۹۹۵م
۳۲. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق ۱۹۸۴م
۳۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ق
۳۴. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۷ش
۳۵. کلینی رازی، محمد یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۵شمسی
۳۶. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی علی بن ابی طالب، تهران، دار احیاء تراث أهل البيت، ۱۴۰۴ق
۳۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق
۳۸. المزی، یوسف بن الزکی، تهذیب الکمال، تحقیق دکتر بشارو عواد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۰ق ۱۹۸۰م

۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه،

۱۳۷۴ش

۴۰. مودودی، سید ابو الاعلی، تفهیم القرآن، لاهور پاکستان، اداره ترجمان

القرآن، بی تا

۴۱. موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر

انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ شمسی

۴۲. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب

الفرقان، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق

۴۳. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب

الفرقان، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق

۴۴. نیشابوری، محمد بن عبد الله، فضایل فاطمه الزهراء، تحقیق علی رضا

بن عبدالله بن علی رضا، قاهره، دارالفرقان، بی تا

۴۵. نیشابوری، محمد بن عبد الله بن محمد، المستدرک علی الصحیحین،

تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق ۱۹۹۰م

۴۶. واحدی علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال بسیونی

زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.